



نوجوان‌ها وتالکین

یاجهان‌های فانتزی چطور ساخته می‌شوند؟

مریم رحیمی پور
خبرنگار



این هفته در گروه تحریریه بحث نوشتن از رمان‌های تالکین است. خانم بزرگ‌زاده با ذوق برایم صوت می‌فرستد و می‌گوید بیا ما هم توی صفحه کودک و نوجوان از تالکین بنویسیم اما خودش آخر صوتش اضافه می‌کند: «ولی از تالکین چی بنویسیم؟»

من از نوجوان‌ها انتظار ندارم تالکین بخوانند. حداقل از کوچک‌ترهایشان انتظار ندارم. شاید تالکین خواندن برایم مثل ماجرای رطب و منغ رطب باشد. چون خودم همیشه از زبان تقریباً سخت ارباب حلقه‌ها و حجم زیادش فراری بودم، هیچ‌وقت به بچه‌ها توصیه نکردم که سراغش بروند. الان هم که یک جلد از ارباب حلقه‌ها را بالاخره با لطایف الحیل مطالعه کردم (که ماجرا این لطایف الحیل را در سستونی در صفحه عمومی توضیح دادم)، بیشتر متوجه می‌شوم که شاید نوجوان‌های معدودی باشند که بتوانند براحته این داستان را مطالعه کنند ولذت ببرند.

خانم بزرگ‌زاده می‌گوید: «خب از جهان داستان‌های فانتزی بنویس.» توی کلاس وقتی درس‌مان به ژانر تخیلی می‌رسد همیشه با بچه‌ها در مورد جهان داستان‌های فانتزی صحبت می‌کنیم. من همیشه می‌گویم که نویسنده برای ساختن یک دنیای تخیلی می‌تواند دو کار انجام دهد. یا دنیایی در کنار دنیای واقعی بسازد که مثال واضحش هری پاتر است و کتاب‌هایی مثل مجموعه پرسی جکسون، نارنیا و آرتمیس فاول را هم می‌توان مثال زد. یا اساساً یک جهان جدید خلق کند که مثال همیشگی‌اش ارباب حلقه‌هاست و من معمولاً در کلاس برای بچه‌ها مجموعه سرزمین دلتورا را هم مثال می‌زنم.

معمولاً در این نقطه درس یک نفر می‌پرسد: «خانم کدومش آسون‌تره؟» و من پاسخ می‌دهم که هیچ کدام است. هرکدامش درسهای خاصی خودش را دارد. اگر بخواهید یک جهان کاملاً جدید را بسازید، باید مصیبت‌های مشخصی را دنبال کنید. مشابه همان کاری که تالکین انجام داده و جهانی را ساخته که نقشه و قلمرو و تاریخ و مقتضیات مخصوص خودش را دارد یا در نمونه کوچک‌تر و نوجوان‌تر، امیلی رودا نویسنده مجموعه سرزمین دلتورا، جهانی متناسب با داستانش خلق کرده‌است. وقتی جهان فانتزی، جهانی در دل جهان واقعی باشد لازم نیست که تاریخ و جغرافیای راهم تخیل کنید ولی مشکل اینجاست که این جهان تخیلی را چطور در دل جهان واقعی جا دهید که باورپذیر باشد؟ چطور موجودات و شخصیت‌های خیالی و جادوگرها را پنهان کنید که خواننده از خودش نرسد «اینها تا الان کجا بودند که من ندیدمشون؟» کتاب‌های نوجوانی خوانده‌ام که از پس این پنهان کردن برنیامدند و رها بی‌یون موجودات جادویی‌شان وسط دنیای واقعی بدجوری توی ذوق زده است.

بالاخره قرار می‌شود خانم بزرگ‌زاده کمی بیشتر در مورد جهان فانتزی رمان‌های کودک بنویسد و من هم سرآغ چند کتاب نوجوان بروم. به بچه تالکین خواندن را پیشنهاد نمی‌کنم ولی برای سن‌وسال آنها مجموعه سرزمین دلتورا توصیه خوبی برای کتاب‌های مشابه دنیای تالکین است.



یک مجموعه علمی تخیلی پرماجرا برای نوجوانان فرار در روز کلاهک‌گذاری

معصومه فراهانی
آموزگار



خردسال بودم که پایم به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باز شد. خاله‌ام که از اعضای نوجوان کانون حساب می‌شد دست مرا گرفت و به دنیای کانون برد، با من قفسه به قفسه راه می‌آمد و کتاب‌های خوبی را که خودش در کودکی خوانده بود نشانم می‌داد و برایم می‌خواند. بعد به بخش نوجوان می‌رفت، بخشی که قفسه‌های بلندتر و کتاب‌های قطورتر بودند. کتاب‌های آن بخش همیشه به من چشمک می‌زدند و با خودم فکر می‌کردم کی اجازه ورودم به آن بهشت صادر خواهد شد؟

وقتی به نوجوانی رسیدم، خاله دیگر دانشجو شده بود اما هنوز به کانون رفت‌وآمد داشت. یک روز که با هم در بخش نوجوان قدم می‌زدیم کتابی را از میان کتاب‌ها بیرون کشید و گفت: از بهترین کتاب‌هایی است که در کانون خواندم. روی جلد کتاب نوشته بود «وقتی سه‌پایه‌ها به زمین آمدند» نوشته «جان کریستوفر». جلد کتاب حسابی کهنه بود، خاله، کارت چسبیده به پشت کتاب را نگاه کرد و گفت: ببین من چند سال پیش این کتاب را امانت گرفته‌ام. راستش را بخواهید تنها چیزی که به خواندن ترغیب می‌کرد، تجربه کردن حس بود که او چندسال پیش گذرانده، مگر نه خود آن کتاب قدیمی یا ورق‌های کاهی جذبه نمی‌کرد. آن شب در خانه کتاب را شروع کردم، کتاب از موجوداتی به نام سه‌پایه‌ها می‌گفت که برای تصرف زمین و زمینی‌ها آمده بودند اما زورشان به آنها نمی‌رسید. برای همین از طریق دیگری وارد شدند و موفق شدند ذهن مردم را به وسیله کلاهک‌هایی کنترل کنند. این کتاب اولین مواجهه من با ژانر علمی تخیلی بود و قصه آن تا مدت‌ها ذهنم را مشغول کرده بود.

چند ماه بعد در کتابخانه دوستم اسم جان کریستوفر را دیدم، چند کتاب به نام‌های «کوه‌های سفید»، «شهر طلا و سرب» و «برکه آتش» از نشر قدیانی. او برایم گفت اسم کتاب، ادامه داستان استقرار سه‌پایه‌ها در زمین هستند. از خوشحالی می‌خواستم بال دربیارم! کتاب محبوبم ادامه داشت. این سه کتاب، قصه سه نوجوان است که دوست ندارند ذهنشان توسط سه‌پایه‌ها کنترل شود و در روز کلاهک‌گذاری‌شان فرار می‌کنند. یک قصه پرماجرا و نفسگیر از مبارزه سه نوجوان فراری با موجوداتی ناشناخته به نام سه‌پایه‌ها.

«جان کریستوفر» در چهارگانه سه‌پایه‌ها نگاهی منتقدانه به مسأله رسانه نیز دارد اما پیام‌های کل درشت نیست؛ چیزی که عمیقاً ما را متأثر می‌کند تلاش‌های صادقانه و دوستی و فداکاری بین سه نوجوان مبارز در کتاب است. نوجوانانی که برای ایجاد تغییری بزرگ در جهان‌شان می‌جنگند.

ذهن دارد و البته خاطرات قبلی و احساساتش یک موجود جدید خلق می‌کند. در این حین می‌توان گفت در مغز یک آتش‌بازی تمام عیار رخ می‌دهد و بخش‌های زیادی درگیر می‌شوند.

تونی ضلع دیگر خیال‌پردازی را «ماجراجویی» می‌داند. برای همین او و خانم بلیک تصمیم گرفتند به عنوان یک پایان خوب برای مجموعه‌ی اسپایدرویک، دفتر خیال‌پردازی و ماجراجویی تدوین کنند و به چاپ برسانند تا کودکان در همین سن‌بند تلایکی که ذهنی پویا دارند و می‌توانند خارج از قواعد بپندشوند، هر ایده‌ای را که به ذهنشان خطور می‌کند در این دفتر بنویسند. شاید به چشم به هم زدن بتوانند وارد جهان دیگری شوند و ماجراجویی شخصی‌شان را پی بگیرند.

یک ماجراجویی تازه، میان سطور کتاب

کودکان و نوجوانان امروز بیش از هر زمان دیگری نسبت به گذشته قوه ماجراجویی‌شان را از دست داده‌اند، ماجراجویی هدف می‌خواهد و آنها هدف را ب راحتی گم می‌کنند، ماجراجویی پشتکار می‌خواهد و آنها از همان ابتدا برای انجام هر کاری خسته‌اند. آنها ریسک‌پذیرند و شاید زیادی خطر می‌کنند، چون اغلب فکر می‌کنند چیزی برای از دست دادن ندارند. جهان تخیلی به کودکان و نوجوانان چند امکان مهم می‌دهد: در وهله اول می‌توانند خودشان را در آن گم کنند. آدم‌ها چه کودک و چه بزرگسال خیلی وقت‌ها احساس می‌کنند در کسالت، ملال و مشکلات غرق شده‌اند، خواندن رمان تخیلی به روزهای ملال‌آور رنگ می‌دهد. در وهله دوم کودکان و نوجوانان خیال می‌پردازند تا خودشان را بیابند. جهانی با قاعده‌های غیرمعمول می‌تواند به آنها امکان‌های جدید بدهد تا خود را محک بزنند و ویژگی‌های خود را پیدا کنند. به یاد می‌آورم نوجوانی را که می‌گفت آن زمان که هری پاتر «مالفوی» را در آتش تنها نگذاشت از خودم پرسیدم در موقعیت مشابه من چه می‌کردم؟ آیا دشمنم را در آتشی که خودش برپا کرده تنها می‌گذاشتم یا نه؟ و در نهایت کتاب‌های تخیلی با تعلق خوبی که دارند، اغلب کودک و نوجوان را کتابخوان می‌کند، چون طعم لذت بخش دنبال کردن یک داستان را زیر زبانشان می‌آورد.

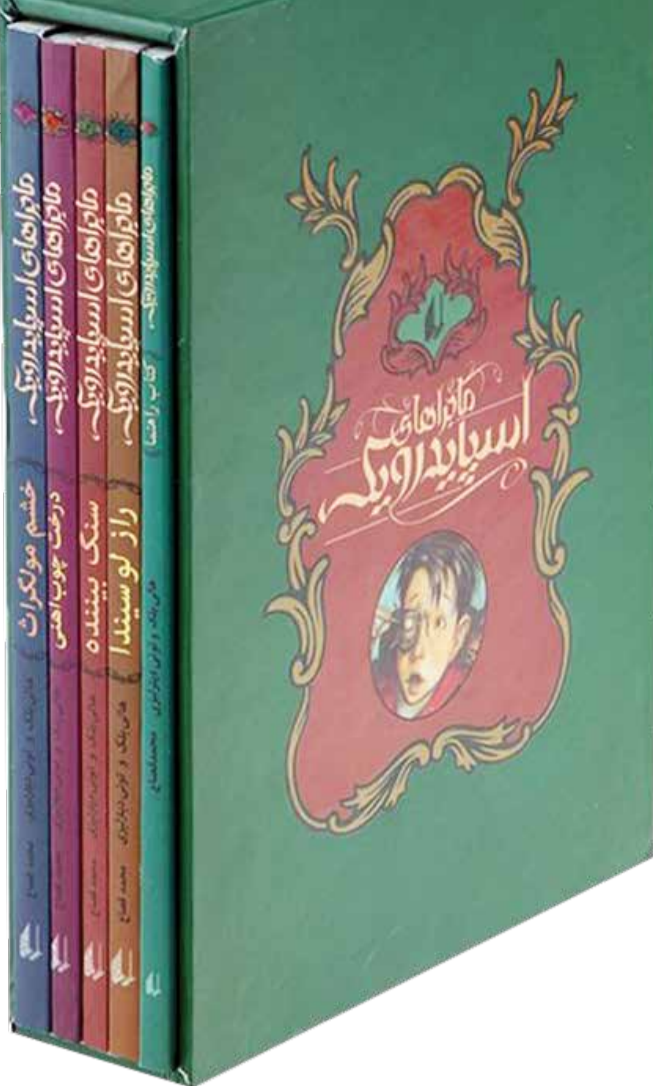
افسانه اسپایدرویک به ۳۰ زبان ترجمه شده و نمونه‌ی خوبی از زمان فانتزی برای کودکان سال‌های آخر دبستان است. محمد قضاغ پنج جلد اصلی این کتاب‌ها را تحت عنوان ماجراهای اسپایدرویک به فارسی ترجمه کرده و نشر افق آنها را به چاپ رسانده‌است.



در مغز ما چه اتفاقی می‌افتد وقتی تخیل می‌کنیم؟ کودکان و نوجوانان امروز بیش از هر زمان دیگری نسبت به گذشته قوه ماجراجویی‌شان را از دست داده‌اند، ماجراجویی هدف می‌خواهد و آنها هدف را ب راحتی گم می‌کنند، ماجراجویی پشتکار می‌خواهد و آنها از همان ابتدا برای انجام هر کاری خسته‌اند. آنها ریسک‌پذیرند و شاید زیادی خطر می‌کنند، چون اغلب فکر می‌کنند چیزی برای از دست دادن ندارند. جهان تخیلی به کودکان و نوجوانان چند امکان مهم می‌دهد



ذخیره شده در بخش‌های مختلف خاطراتش، تصویر موش و آدم را می‌آورد و ترکیب می‌کند، اما خیال‌پردازی در مورد موجودی که تا به حال ندیده‌ایم چه طور؟ مثل گابلین‌ها، مولگرات یا حتی ارگ



گابلین‌ها، ارگ‌ها، باران حلقه، تیمبل تاک و آرتور اسپایدرویک، همگی با هم سوار بر کشتی تخیل

بببببببب

در مغز ما چه اتفاقی می‌افتد وقتی خیال‌پردازی می‌کنیم؟

زهرابزرگ‌زاده
روانشناس کودک



این هفته هم می‌خواهیم مثل یکی از نوشته‌های گذشته در مورد جهان تخیلی در رمان کودک حرف بزنیم اما این بار با کمک گرفتن از نویسنده رمان تخیلی کودک؛ خانم هولی بلیک و آقای تونی دیتریلیزی. خانم بلیک و آقای دیتریلیزی نویسندگان رمان افسانه‌های اسپایدرویک هستند. خانم بلیک هنوز هم در حال نوشتن درباره جهان‌های فانتزی است و آقای دیتریلیزی به کشیدن نقاشی و خلق دنیاهای عجیب و غریب مشغول است.

ما چرا از چه قرار است؟

تونی از کودکی به داستان‌هایی علاقه داشت که قهرمان‌شان می‌توانست از همین جهان معمولی و واقعی وارد دنیای دیگری شود و چیزهای جدیدی تجربه کند. تونی می‌گوید برای خلق یک جهان خیالی به داستان‌های کودک‌اش برمی‌گردد: جادوگر شهر از، آلیس در سرزمین عجایب و پیتربین و در حین اینکه برای یک شرکت بازی‌های دیجیتال شخصیت‌های ازدهایی طراحی می‌کند، ناگهان، بنگ بنگ بنگ، چیزهایی در مغزش جرقه می‌خورد و وارد یک دنیای جدید می‌شود.

حالا دیگر کافی است همه چیز از ذهن روی کاغذ بیاید و پس از کمی دمیدن روح نویسندگی در آن، کلید ورود به یک دنیای تخیلی برای کودکان و نوجوانان جهان روی پیشخوان کتابفروشی است.

اما واقعاً در مغز چه اتفاقی می‌افتد وقتی ما خیال‌پردازی می‌کنیم؟

تصور دو امر واقعی ولی نامربوط در کنار هم کار نسبتاً ساده‌ای برای مغز است، مثلاً تصور خرسی که حرف می‌زند یا آدمی که به به خاطر یک طلسم جادویی به موش تبدیل می‌شود. در این حالت مغز ما تنها از میان تصاویر

تصور دو امر واقعی ولی نامربوط در کنار هم کار نسبتاً ساده‌ای برای مغز است، مثلاً تصور خرسی که حرف می‌زند یا آدمی که به به خاطر یک طلسم جادویی به موش تبدیل می‌شود. در این حالت مغز ما تنها از میان تصاویر